دلمان برایش تنگ می‌شود

سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در صفحه شخصی خود با اشاره به درگذشت سردبیر روزنامه جام جم نوشت:

کرونا تصویر تنهایی و مرگ را در آینه زندگی آورد. امروز با جوان شـــاداب، ســـختکوش و دلداده اهل بیت(ع) روحا... رجایی هم وداع کردیم. دلمان برای نگاه و نفس گرم او در رسانه و هیات و حرم تنگ می‌شود.

پرکار و باسواد

در بخشی از پیام تسلیت دکتر کریم همتی، رئیس جمعیت هلال‌احمر آمده است: درگذشت جناب آقای روحا... رجایی موجب تألم و تأثر عمیق اینجانب شد. او جوانی متفکر، پرکار، باســـواد و مخلص در عرصه ارتباطات، روزنامه‌نگاری و روابط‌عمومی بود و در دوره‌ای که به عنوان معاون اداره‌کل روابط‌عمومی در جمعیت هلال‌احمر حضور داشت، با بهره‌بردن از نبوغ ذاتی و استعداد رسانه‌ای خویش منشأ تحولات بسیار در این حوزه شد.

آدم باکیفیتی بود

جواد دلیری، سردبیر روزنامه ایران: دقیقا دو هفته پیش بود که روحا... عزیز را دیدم، مشتش را گره کرد تا در فضای کرونایی دستی دهد، مشت کردم و پاسخی دادم. مثل تمام مدتی که می‌دیدمش خنده بر لبانش بود، گفت چطوری مرد! خندیدم و گفتم آقا روحا... چه خوبه که در این سیاهی‌ها و ناامیدی‌ها می‌خندی، خوبه که آدم‌هایی مثل تو هستند. نگاه کرد و هیچ نگفت... نگاهش عجیب بود فقط نگاه... انگار کوهی بود از حرف‌های نگفته. این‌گونه ندیده بودمش. خداحافظی کردیم و رفتم. از زمانی که فهمیدم کرونا گرفته تا امروز صبح یک آن از نگاهش دور نمی‌شوم.

می‌گویند آنها که دل‌شان دل است / همه چیز را زودتر می‌فهمند / مثلا همین مرگ / چند روز پیش یك پست اینستاگرامی گذاشت که بگوید کرونا دارد با این شعر اخوان شروع کرد: مرگ گوید: هان! چه بیهوده! / زندگی می‌گوید: اما باز باید زیست / و مثل همیشه لبخند زد و امیدوارانه حرف زد. آخرین پیامم را هنوز جواب نداده بود، امروز صبح حال و احوالش را جویا شدم. گفتند ان‌شاءا... بهتر می‌شود، خواب مصنوعی برده‌اند تا آرامش بیشتری داشته باشد تا ریه‌اش بازسازی شود، گفتم مگر این آدم با لبخند و لهجه شیرینش می‌تواند آرام و قرار بگیرد، یك ساعت بعد اما آرام گرفت. رفت و حسرتش بر دل ما ماند تا بازهم بگوید و بخندد... تمام شناخت من قبل از دیدنش خلاصه می‌شد به چند تماس تلفنی رد و بدل کردن. چند پیام و خواندن مطالبش و شنیدن وصف خوبی‌هایش. سال ۹۶ بود، با این‌که اولین بار بود می‌دیدمش آن‌قدر صمیمی و قدیمی حرف می‌زد که انگار سال‌هاست می‌دیدمش، خیلی خوش‌صحبت و خوش‌رو بود و پر از صمیمیت و احترام. در نگاه اول عاشق رفتارش می‌شدی. امام حسینی بود و عاشق کربلا. آخرین بار وقتی می‌رفت پیاده‌روی اربعین یك دفعه یادش افتادم. زنگ زدم و چه صمیمانه و مهربانانه حرف زد و دعا کرد و وقتی برگشت، خودش زنگ زد و گفت جوادخان نشد بیایی اما یادت بودم و خوب یادت بودم و من چقدر حسادت کردم به او. گفت سوغاتی‌ات هم محفوظ. او در رفاقت و دوستی باکیفیت بود.

روزنامه‌نگار با هویت

ایمان شمسایی، مشاور امور رسانه‌ای و ارتباطات رئیس سازمان و دبیر کمیته اطلاع‌رسانی سازمان بازرسی کل کشور: روحا... رجایی یك روزنامه‌نگار بود چون سوادش را داشت و از دانشکده ارتباطات و کف تحریریه شروع کرد. همشهری محله به گمانم آغاز کار جدی مطبوعاتی او بود که همان جا و سال ۸۳ زمینه آشنایی و رفاقت‌مان پیدا شد. از خبرنگاری شروع کرد و سپس دبیر تحریریه شد و آنگاه سردبیر. پله پله رشد کرد و از درد مردم در رسانه‌های اجتماعی و شهری گفت.

مدیر بود چون در روابط‌عمومی هلال‌احمر، مدیریت را علاوه‌بر تحریریه در یك فضای اداری و البته رسانه‌ای تجربه کرد. او باز به تحریریه بازگشت و سردبیر جام‌جم شد. وقتی در جریان انتصابش قرار گرفتم، مثل روز برایم روشن بود که گل می‌کند. چون هم دغدغه خبرنگاری داشت و هم به‌شدت زود رفیق می‌شد و اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را می‌شناخت.

اهل فرهنگ بود و علاقه‌مند به شعر و ادبیات. خوش ارتباط بود و محال بود یك بار با او بنشینی و رفاقتت ادامه‌دار نشود. رفیق بود چون با هرکسی از دوستانش دیالوگ خاص او را داشت. در جمع‌های رفاقتی‌محور جلسه بود و انرژی از سر و رویش می‌بارید. خوش‌سلیقه و بانمك بود. با ته لهجه مشهدی و پرحرارت سخن می‌گفت و تند تند راه می‌رفت حتی وقتی به‌ندرت افسرده می‌شد.

اما اینها تمام ماجرا نیست. چیزی که روحا... رجایی را امروز بر سر زبان‌ها انداخته شاید مرگ اسطوره‌ای‌اش باشد. وقتی درگیر بیماری می‌شود پیام می‌فرستد و لحظه به لحظه رفقایش دنبالش می‌کنند. برایش قربانی می‌کنند، نذر می‌کنند، ختم نادعلی و توسل می‌گیرند و محافل روضه مجازی و حقیقی برپا می‌کنند. تمام اینها برای یك چیز است. او امام حسینی بود. عاشق و شیفته اهل بیت علیهم‌السلام. یادم هست سال ۸۳ یا ۸۴ که تازه صدام سقوط کرده بود، با دو نفر دیگر از رفقا با ماشین بین‌راهی، راهی کربلا شد. آن‌قدر گل درشت و عیان از اهل بیتی بودنش سخن می‌گفت که رفقا زلفش را با پیاده‌روی اربعین و نوحه و هیات گره زدند. این‌گونه شد که ادامه حیاتش به مثابه ادامه نفس‌های یك سینه‌زن و مجلس گرم‌کن عزای سیدالشهداء علیه‌السلام در آستانه محرم تلقی شد.

ما نیازمند باوریم. نیازمند هویت. روزنامه‌نگاری و سیاستمداری برایمان هویت نمی‌شود. شاید فن و ابزار بشود اما هویت‌مان نیست. و چه عالی‌تر که هویت‌مان مقدس‌ترین داشته ما یعنی حب خاندان رسول اکرم صلوات‌ا... علیه باشد. روحا... رجایی را یك روزنامه‌نگار با هویت می‌دانم که به این داشته عظیم افتخار می‌کرد.

شکر خدا که در پناه حسینیم
عالم از این خوب‌تر پناه ندارد

کار کمی نیست

...فته‌اند الاسماء تنزل من السماء و درست گفته‌اند... باید روح خدا در تو ...محبت در وجودت موج بزند. روح خدا که در تو جریان یابد، عزیزت می‌شود ...ت! روحش که جریان یابد در تو، بستری شدنت دوستان سیدالشهدا(ع) ...ر ایشان گریه کنند و برایت دعا کنند. گرچه از بستر برنخاستی اما تو کار ...کار کمی نیست! آری! باید روحا... باشی تا در شب شهادت ابن‌الرضا (ع) ...د.

نگاهش تیزبین بود

محمدرضا کائینی، پژوهشگر تاریخ: روحا... رجایی را برای اولین و آخرین بار، تنها در یك جلسه دیدم و شناختم. پس از تصدی سردبیری جام‌جم و به لطف دوستم مهدی عرفاتی، برای معارفه و صرف ناهار. در وجنات و رفتارش، نجابتی بود که در همان نخستین لحظات مخاطب را می‌گرفت. به نظر می‌رسید که تیزبینی و گزیده‌گویی را درهم آمیخته و ره به متانت و پختگی برده است. چند روز پیش خبر از ابتلای شدیدش به کرونا دادند و امروز صبح از رحلت غم‌انگیزش! امید که در سایه رحمت خدا، آرام بیاساید. این بلیه به‌رغم تلخی‌هایش، چه آشکار به ما نمایاند که در هر آن، چه مراوده تنگاتنگی با مرگ داریم و در عین حال، آن را از خویش دور می‌بینیم! پناه بر خدا!

چشم‌هایش....

کامران نجف‌زاده، خبرنگار: روحا...! کجا رفتی یکهو؟ نگفتی چین می‌افتد زیر چشمان بچه‌ها؟ نگفتی حالا ما هر طرف را نگاه می‌کنیم چشم‌های تو رهایمان نمی‌کند که... که چشمه‌ای بود برای خودش. رفیق مشتی... ژورنالیست باهوش، باصفا... نجیب، تیزبین... یك گره عجیب؛ یك بغض ناجور درست کردی در گلوی ما که انگار الان داریم دسته‌جمعی خفه می‌شویم... تازه هنوز شوك زده‌ایم. خواب‌زده‌ایم. این حال ماست تازه... حسام و شهاب و نرگس بی‌تو چه کنند؟ آخر روحا... جان... این همه حرف زدیم... این همه راه نرفته... هزار باده ناخورده... پس قرارها را چه شد؟ چرا روزگار چنین است؟ چرا نیستی تو؟ بچه‌ها گفتند روحا... دلش طاقت سال بی‌محرم... بی‌روضه... بی‌اربعین نداشت... حالا اربعینت، عاشورا شد.

روزنامه‌نگاری به‌نام

فرید مدرسی، استاد دانشگاه: روحا... رجایی، روزنامه‌نگاری بود به نام و به عمل. روح و رفتارش روزنامه‌نگارانه بود؛ همزیستی با مخالف و موافق را استادی می‌کرد و از هیچ گفت‌وگویی ابایی نداشت. اصول و دیسیپلین‌اش آن بود که باور داشت و اهل نمایش نبود. روحا... نادر رفتار بود در این ایام سخت؛ درمانگر تنهایی‌ها بود و همراه. او را شاید هیچ‌گاه در دیگری نیافتم و به بزرگی‌اش قسم که داغ بود رفتنش بر پیکره ما. یادش گرامی، راهش پایدار.

برای خداحافظی زود بود

نوشین مجلسی، گروه رسانه: فکرش را نمی‌کردیم. هیچ نشانی از رفتن نبود. در شما زندگی جریان داشت. درست دو روز پیش از آن‌که این ویروس منحوس از تحریریه دورتان کند، ما بچه‌های سرویس رسانه را جمع کردید و با شور از مسیر دشواری گفتید که باید از آن گذر کنیم. رفتید و ما امیدوار که نه، مطمئن به بازگشت‌تان بودیم، اما این خوش‌خیالی خیلی زودرنگ باخت. شما، این چند ماه همکاری و خودکار قرمزی که روی گزارش‌هایمان خط می‌کشید برایمان خاطره شد؛ ولی قول می‌دهیم توصیه‌های طنازانه‌تان برای ماسك زدن را فراموش نکنیم. بدرود آقای سردبیر.

چون مشتری تو بودی قیمت گرفت کالا

علی رستگار، گروه فرهنگی: ما مثل چی کار می‌کردیم، اما باز تو بعضی جاها راضی نبودی و گیروگلایه که این گزارش را می‌شود این‌طوری هم کرد و... حلالم کن، اما توی دلم گاهی فحش‌های نرم و قابل تحمل هم نثارت می‌کردم. وقتی هم می‌گفتم چرا اینقدر توقعت از من و ما (بچه‌های گروه فرهنگی) بالاست، مدام و با لبخند این مصرع مولانا را می‌خواندی که: چون مشتری تو بودی قیمت گرفت کالا. راستش دروغ چرا؟ من را که می‌شناسی؟ (شاید هم کم کم داشتی می‌شناختی) این مصرع را دست گرفته بودم و می‌خندیدم. می‌دانستم حکایت از تعریف و توقعی دارد‌ها، اما امروز که رفتی، بیشتر توی بحرش رفته‌ام و دیدم چقدر مصداق خودتوست. بیا دو سه بیتش را با هم مرور کنیم. شروعش که می‌گوید: «از بس که ریخت جرعه بر خاک ما ز بالا (ز بالا) / هر ذره خاک ما را آورد در علالا». جانِ من بیت دوم را داشته باش: «سینه شکاف گشته دل عشق باف گشته / چون شیشه صاف گشته از جام حق تعالی». این‌که خودتویی در این لحظه. یک بیت را رد می‌کنیم و می‌رسیم به بیت و مصرع مورد علاقه‌ات: «ای جان چو رو نمودی جان و دلم ربودی / چون مشتری تو بودی قیمت گرفت کالا». پس یک چیزی می‌دانستی که این را مدام می‌خواندی. باقی شعر هم وصف توست انگار، بیت بعدی چیست؟ «ابرت نبات بارد جورت حیات آرد / درد تو خوش گوارد تو درد را مپالا». و تو هم درد را مپالاییدی و به جان خریدی حتی به قیمت گزاف جان و زندگی. مشتری بودی دیگر روح ا... رجایی عزیز، یک مشتری مهیا، درست و حسابی و دست به نقد.

باور نمی‌کنم...

حسام آبنوس، روزنامه‌نگار: خیلی با او حشر و نداشتم و عمر آشنایی‌مان کمتر از شش ماه بود. اسمش را شنیده بودم ولی او را ندیده بودم تا این‌که سردبیر جام‌جم شد. در دیدارهای کوتاهی که داشتیم همیشه می‌خندید. از روزی که خبر ابتلای او به کرونا را شنیدم ناراحت بودم. دوستانش برایش دعا می‌کردند و ما هم طلب شفا می‌کردیم. ولی امروز (۳۰ تیر) که خبر درگذشت او بر اثر کرونا و پس از چند روز دست و پنجه نرم کردن با این بیماری را شنیدم، فروریختم. باورم نمی‌شد. آرام نمی‌شوم. اشك امان نمی‌دهد. این‌که... آقا روحا... که نوکری کردنت برای ارباب زبانزد است و همه درباره آن حرف می‌زنند، پیش آقا سفارش ما را هم بکن.

جام جم گرام

پرویز فتاح — Tweet

با اخلاص بود و محب اهل بیت علیهم‌السلام شهادت می‌دهم که زحمت زیادی برای امور نیازمندان خصوصا در مساله افزایش مستمری مددجویان کمیته امداد و بهزیستی کشید. اهالی رسانه باردیگر داغدار شدند

حسین دهباشی — Tweet

عالم از ناله عشاق مبادا خالی...
دردِ عشق است و جگرسوز دوایی دارد!
از میانِ اهلِ رسانه، هیاتی‌ترین‌ها و خوش‌اخلاق‌ترین‌های‌شان، چمدان بسته‌اند! چه اربعینی شود امسال، در خیمه روزنامه‌نگارانِ اهلِ بهشت!

محمدحسین رنجبران — Tweet

مطلع شدم برادر خوبم روحا... رجایی سردبیر روزنامه جام‌جم که مدتی به دلیل ابتلا به کرونا بستری بود، دعوت حق را لبیك گفت. غم سنگینی است برای همه ما، تسلیت می‌گم به همه همکارانم در روزنامه جام‌جم و رسانه ملی

احمد نادری — Tweet

درگذشت مرحوم روحا... رجایی فعال رسانه‌ای و فرهنگی کشور و سردبیر روزنامه جام‌جم تاثربرانگیز بود.
فقدان این جوان مومن که در بین اهالی رسانه به حسن خلق معروف بود را به خانواده داغدیده، اهالی رسانه، و همکاران ایشان تسلیت عرض می‌کنم. با مولایش حسین(ع) محشور گردد.

مهرداد بذرپاش — Tweet

خبر درگذشت روحا... رجایی که درمیان اهالی رسانه به حسن اخلاق و صفا شهرت داشت، تاثربرانگیز بود.
فقدان این جوان مؤمن را به خانواده، دوستان، همکاران وی در روزنامه جام‌جم و اصحاب رسانه تسلیت می‌گویم.
روح آن عزیز با جوادالائمه(ع) جوان امام رضا(ع) محشور باشد ان‌شاءا...

میثم مطیعی — Tweet

در راه زیارت اربعین هم‌صدای هم بودیم.
#روح_ا...._رجایی را هیچ وقت ندیدم، اما این عادت بچه‌هیاتی‌هاست که نادیده به هم دل می‌دهند. او از فعالان رسانه‌ای بااخلاص بود که ساعتی قبل آسمانی شد.
شادی روحش فاتحه‌ای نثار کنیم.

فرشاد مهدی‌پور — Tweet

خداحافظ رفیق...
بهم می‌گفت من اسمم روحا... است و اسم تو فرشاد؛ ۳-۲ قدم ازت جلوترم در انقلابی بودن. خوش به‌حالت #روح_ا...._رجایی که انقلابی بودی و ماندی.
رفیق! ما رو دعا کن.

مهدی محمودیان — Tweet

از میلیون‌ها یا شاید میلیاردها سال از عمر دنیا حداکثر چند سال در این دنیا هستیم. چرا از این فرصت کم برای دوست داشتن هم استفاده نمی‌کنیم؟
چرا یادمون میره که شاید همین فردا کنار هم به خاك سپرده بشیم؟

تسلیت نهادها

سخنگوی دبیرخانه شورای امنیت ملی، کانون انجمن‌های صنفی روزنامه‌نگاران و خبرنگاران ایران، فدراسیون فوتبال، مرکز روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، روابط‌عمومی مجمع تقریب، روابط‌عمومی موسسه نمایشگاه فرهنگی ایران، اداره‌کل روابط‌عمومی وزارت نفت، مجید قلی‌زاده مدیرعامل خبرگزاری تسنیم و خیلی‌های دیگر هم پیام‌های تسلیتی را برای درگذشت روحا... رجایی صادر کردند.